جزئیات جدید از قتل دختری که با پاهای بسته‌شده به بتن سنگی، پشت سد سردشت پیدا شد

رقصان در رودخانه، دست‌بسته دهان‌بسته

پردیس ربیعی: او را دست و چشم بسته داخل گونی پشت سد سردشت پیدا کردند. موقع بیرون‌کشیدن معلوم شد یک قالب بتن سنگی هم با طناب دور مچ پایش گره زده‌اند تا لابد «کار از محکم‌کاری عیب نکند». چهار ماه پیش، یکی از روزهای خردادماه حوالی ساعت چهار و پنج صبح هایده به دست پدر داخل رود زاب انداخته شد. این اولین‌بار نبود که «امید» دست و پای هایده ۱۹ ساله را می‌بست. قبل از این هم بارها دختر نوجوانش را به تخت و میله داخل یک اتاق زنجیر کرده بود اما آن روز به وعده یک گشت‌وگذار دختر-پدری این بلا سر دخترک آمد. همه این چند ماه جسم نحیف او داخل آبی که دمای آن شب‌ها به زیر ۱۰ درجه سانتی‌گراد هم می‌رسید، از پیچ‌وتاب دامنه کوه می‌گذشت و موج بشت موج بیشتر پیش می‌رفت. هایده، پدر و بقیه اعضای خانواده قرار بود چند ساعت قبل از حادثه، در عروسی پسر یکی از اقوام حاضر باشند. هایده از آرایشگاه برگشت که یکدفعه برنامه عوض شد. پدر گفت عروسی نمی‌رویم. در عوض دست هایده را گرفت و گفت بیا با هم دو نفری برویم قلیان بکشیم. دیگر از اینجا به بعد را کسی ندیده و تنها چیزی که می‌دانیم روایت دوستان و آشنایان و مادر هایده است. صبح زود پدر بدون دخترش به خانه برمی‌گردد و به مادر می‌گوید: «هایده فرار کرد». دخترک با آن چشم‌ها و موهای عسلی به جای عروسی، در مسیر آب، حدود ۵۰ روستا را رقصان در پیچ‌وتاب دره‌های غربی زاگرس یکی‌یکی رد کرد، به صخره و سنگ و تنه درخت‌های صد ساله در حاشیه رود برخورد کرد تا اینکه یک روز دیوار مهیب سد سردشت نجاتش داد. نجات که نه؛ هایده خیلی وقت پیش مرده بود اما یک حادثه اتفاقی اواخر تابستان باعث شد جسد این دختر هم از آب گرفته شود؛ وگرنه هنوز همه فکر می‌کردند که از دست پدر فرار کرده و به عراق رفته است. عراق کجا و رود زاب در بالادست دجله کجا؟

مادر درخواست آزادی داد

بعد از گذشت حدود دو هفته از پیداشدن هایده حسن‌زاده پشت سد سردشت، شهری که به‌خاطر بمباران‌های حمله عراق به ایران به دزفول کردستان مشهور است، حالا جزئیات بیشتری از ماه‌های آخر زندگی او روشن شده. طبق گفته یکی از نزدیکان این خانواده، پدر هنوز در زندان است اما مادر درخواست آزادی او را امضا کرده. آن‌هم به این خاطر که نان‌آور خانواده است و باید شکم فرزندانش را سیر کند. برای همین از یک باسواد می‌خواهد برای آزادی همسرش نامه‌ای از طرف او بنویسد اما شرط بگذارد که «امید حسن‌زاده»، پدر خانواده، نباید نزدیک محل زندگی او و سه فرزند دیگرش شود. حالا هم وقتی تلفن را برمی‌دارد جز ناله و شیون از روزگار سیاهش حرف دیگری نمی‌زند. به کردی می‌گوید: «بیا وضع من را ببین. بیا ببین کجا زندگی می‌کنم». به‌جز هایده، یک دختر کلاس‌چهارمی دارد که مدرسه ثبت‌نام نشده. یک دختر کلاس‌اولی و یک فرزند یکی، دو ساله دیگر هم در همین خانه در شهرستان ربط، استان آذربایجان غربی زندگی می‌کنند. هایده، دختر اول خانه، سال ۱۳۸۳ به دنیا آمد و بیشتر از ابتدایی نتوانست درس بخواند. نه علاقه‌ای داشت و نه کسی هم او را ثبت‌نام کرد. بعد از آن همراه با پدر و مادرش روی زمین‌های مردم کارگری می‌کرد. گاهی علف زمین‌های کشاورزی را می‌کندند و گاهی همدان می‌رفتند و میوه مزارع را می‌چیدند. برای آن شهر کوچک که اغلب همه همدیگر را می‌شناختند دخترک کمی بیش از اندازه سرکش به نظر می‌رسید. چوب آن را هم هر بار تند و محکم‌تر از قبل می‌خورد. یکی از نزدیکانش روایت می‌کند که بارها مورد شکنجه پدر قرار گرفت یا در خانه زندانی شد. افسردگی دست و پایش را می‌بست و هیچ کاری برای مستقل‌شدنش پیدا نمی‌کرد. آگهی‌های شغلی را می‌خواند، دلش می‌خواست در رستوران یا کافه‌ای کار کند یا آرایشگر بشود اما روبه‌رویش یک سد بزرگ به اندازه همان سد سردشت قرار گرفته بود که آن روز ظهر جسدش را در آن پیدا کرده بودند. افسردگی و پرخاشگری و دست آخر فرار از خانه وضعیت را بغرنج‌تر کرد و مثل یک دومینو به دنبالش اعتیاد به دخانیات و الکل، تف و لعن خانواده را برایش به دنبال داشت. اینها را یکی از نزدیکان او روایت می‌کند. خودش می‌گوید برایش فرقی ندارد که اسمش در روزنامه منتشر شود یا نه اما می‌داند افشای این راز هایده می‌تواند او را هم سر به نیست کند. راوی ادامه می‌دهد: «هایده برای فرار از خانه به افرادی نزدیک شد که بارها از او سوءاستفاده کردند. دختر ۱۸، ۱۹ ساله چه می‌کرد؟ چه می‌توانست بکند؟ برای اینکه دیگر به خانه پدری برنگردد اعتراضی به این سوءاستفاده‌های جنسی نداشت. ماجرا چند بار به گوش خانواده می‌رسد و دست آخر یک روز هایده را در اتاقکی دست و پا بسته به تخت زندانی می‌کنند که هم ترکش بدهند هم تنبیه شود». هر بار زندانی‌شدن او در خانه وضعیت را بدتر و دوباره در هفته‌های بعد بیشتر به مواد و الکل وابسته می‌کرد. برگشت به اعتیاد همان و دوباره بسته‌شدن به تخت و شکنجه‌های بیشتر در خانه همان. آخرین باری که در خانه زنجیر شد به همین زمستان سال قبل برمی‌گردد. این اتفاق‌ها را فرد دیگری از نزدیکان هایده هم تأیید می‌کند. او که از اقوام دور این خانواده است می‌گوید شب‌های زیادی هایده بعد از فرار به خرابه‌ها و خانه‌های متروکه پناه می‌آورد اما خانه، پناهگاهی نبود که بتواند پایش را به آن بند کند. پدر هر بار از کارواش، کسب‌وکار تازه‌ای که هنوز درست نمی‌چرخید و نان خود را درنمی‌آورد، برمی‌گشت گوش‌هایش از حرف‌وحدیث اطرافیان پر شده بود و او را بیشتر مصمم می‌کرد که دختر بزرگش را سربه‌نیست کند. همین می‌شود که شب آخر، همان شب عروسی یکی از آشنایان، در ظاهر پدر مهربانی قرار می‌گذارد که دونفری با هایده به قهوه‌خانه بروند و قلیان بکشند. از اینجا به بعد دیگر قصه هایده به پایان می‌رسد. امید برمی‌گردد، بدون اینکه هایده را با خودش آورده باشد. امید حسن‌زاده تا ماه‌ها به همه این‌طور می‌گفت که آن شب هایده از دست او فرار کرده و کمی بعد گفت دخترشان به عراق رفته و نباید دنبالش گشت. مادر اما یک روز کلانتری می‌رود و اعلام مفقودی می‌کند اینها جزئیاتی است که اقوام خانواده شنیده‌اند و برای «شرق» روایت می‌کنند. محلی‌ها می‌گویند پدر از آن شب همیشه بی‌قرار بود و رنگ به‌صورت نداشت. تا دو ماه ریشش را کوتاه نکرد و مادر دیگر باورش شده بود که هایده ساکن عراق شده است.

هایده چطور پیدا شد؟

چهار ماه بعد، یک روز که مسافری از بانه به همراه خانواده برای تفریح به نزدیک سد آمده بودند، بر اثر زیاد نزدیک‌شدن خودرو به دره، با ماشین به داخل آب می‌افتد. مرد نمی‌تواند خودش را از آب بیرون بکشد و غرق می‌شود. پلیس و آمبولانس برای درآوردن جسد این فرد به سد سردشت می‌آیند و هم‌زمان متوجه حضور یک گونی و جسد داخل آن می‌شوند. توصیف باقی‌مانده‌های جسد هایده دلخراش است و موهای قهوه‌ای‌رنگ و تمام مشخصات دیگر با آنچه مادرش در گزارش اعلام مفقودی به پلیس خبر داده بود، مطابقت دارد.

به یک روز نرسیده پدر هایده بازداشت می‌شود و خودش به قتل اعتراف می‌کند. عموها و پدربزرگ پدری هیچ سراغی از هایده نمی‌گیرند. تنها سه دایی دنبال جنازه به سردشت می‌روند. هایده را داخل همان گونی تحویل گرفتند، اول مهرماه بدون شست‌وشو در قبرستان هرمزآباد خاک کردند. لحظه خاکسپاری هایده تنها همان سه مرد حضور داشتند. برایش اعلامیه چاپ نکردند و مراسم ترحیمی در منزلشان برگزار نشد. کمی بعد خبر، از سوی دادستان استان هم تأیید شد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که جدیدا پلیس به گوشی هایده هم دست یافته است. آنها تحقیقات خود را ادامه می‌دهند و درحال بازجویی از دوستان هایده هستند. مادر هایده اما معتقد است که امید برای به قتل رساندن هایده همدستانی داشته و تنهایی این کار را نکرده است. خبر مثل بمب در شهر ربط پیچیده است. با وجود اعتقادات سنتی کسی به پدر حق نمی‌دهد و می‌گویند می‌توانست به‌جای کشتن، دخترش را به کمپ ترک اعتیاد ببرد. بااین‌حال گویا نظر خانواده پدری چیز دیگری است. یک مددکار در توضیح شرایط هایده می‌گوید: «در بسیاری از مواردی که قتل ناموسی رخ می‌دهد، به علت اینکه نان‌آور خانه همان قاتل است از او شکایتی نمی‌شود یا اینکه درخواست داده می‌شود که به علت اوضاع نامناسب معیشتی قاتل زودتر آزاد شود تا به اصطلاح چرخ زندگی بچرخد. در مواردی مشابه قتل هایده حسن‌زاده و مونا حیدری عدالت و انصاف باید به‌گونه‌ای باشد که دست را برای مداخله بیشتر سازمان‌های حمایتی، حال چه مردم‌نهاد و چه دولتی باز بگذارند. پیش از این هم دیدیم که سجاد حیدری با وجود قتل مونا حیدری به مجازات سنگینی محکوم نشد؛ چراکه اولیای دم با مشورت ریش‌سفید طایفه و به دستور او رضایت داده بودند. در این موارد قوانین طایفه و عشیره جایگاه بالاتری نسبت به قوانین کشوری و قضائی دارد و تحت فشار قوانین ریش‌سفید طایفه فضا را برای گذشتن از مجازات تحت تأثیر قرار می‌دهند».

بدعهدی شهرداری در تأمین سرویس مدارس

چه کسی پشت سرویس آنلاین مدارس را خالی کرد؟

سرویس مدارس و هزینه‌هایش یکی از چالش‌های همیشگی والدین است. نرخ‌هایی که از سوی شورای شهر مصوب می‌شود بصرفه نیست و کمتر از سوی مدارس اعمال می‌شود و از طرفی گاهی هزینه سرویس مدارس به شهریه مدارس غیرانتفاعی نزدیک می‌شود.

حساب و کتاب روزهای تعطیل هم که در این سال‌ها به دلیل آلودگی هوا و سرما و بیماری کم نبوده هیچ‌گاه محاسبه نشده است. مرداد ماه امسال اما شهرداری تهران در جلسات ستاد استقبال از مهر از ورود تاکسی‌های اینترنتی به موضوع سرویس مدارس خبر داد. این بار قرار بود والدین برای روزهایی که سرویس نمی‌گرفتند پولی پرداخت نکنند و هزینه‌ها هم نسبت به سرویس‌های سنتی پایین‌تر باشد.

جلال بهرامی معاون وقت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران آن زمان استفاده از تاکسی‌های اینترنتی را برگ برنده شهرداری در سال تحصیلی جدید برای ساماندهی سرویس مدارس توصیف کرده بود که در صورت فراگیرشدن آن چالش‌های همیشگی سرویس مدارس به پایان می‌رسد.

او درخصوص جزئیات این طرح به رسانه‌ها گفته بود: «در این طرح هیچ کاری به سرویس مدارس نداریم و می‌خواهیم نرم‌افزاری به مردم معرفی کنیم که تحت عنوان حمل‌ونقل اینترنتی فعالیت کند؛ به این صورت که خانواده‌ها ثبت‌نام کنند و مبدأ و مقصد خود را تعیین کنند و ما نیز راننده‌ها را اعلام کنیم. این خدمات در قالب تاکسی اول مهر یا شاید تاکسی دانش‌آموزی ارائه می‌شود و راننده‌هایی که تأییدیه‌های لازم را دارند و تنها تاکسی‌هایی هستند که مجوز سوارکردن افراد زیر ۱۸ سال بدون همراه را دارند این خدمات را ارائه کرده و در نهایت راننده‌ها نیز منابع پایدارتری برای درآمد خواهند داشت».

«تپسی» اولین ناوگان تاکسی‌رانی آنلاینی بود که اعلام کرد این خدمات را به دانش‌آموزان می‌دهد. ۱۱ هزار دانش‌آموز در طرح سرویس تپسی ثبت‌نام کرده بودند و کل هزینه‌ها را هم واریز کردند. دو هزار نفر هم در رزرو این خدمت بودند.

به گفته میلاد منشی‌پور، مدیرعامل شرکت تپسی مهم‌ترین امتیاز سرویس مدرسه تپسی، ارزان‌بودن ۳۰ تا ۴۰ درصدی خدمات آنها نسبت به سرویس‌های سنتی بود. ۵۰ درصد هزینه‌های سرویس مدارس به جیب واسطه‌ها می‌رفت و با حذف آنها هزینه‌ها هم کاهش پیدا می‌کرد.

مسئولان شهرداری و وزارت کشور پیش از آغاز سال تحصیلی جدید برای حل چالش‌های قدیمی سرویس مدارس از حضور تاکسی‌های اینترنتی سخن گفتند. مدیرعامل تپسی به رسانه‌ها گفته بود که شهرداری قول داده دو هزار تاکسی را در این طرح مشارکت دهد اما شهرداری که بارها در برنامه‌های استقبال از مهر خود از حضور تاکسی‌های اینترنتی برای سرویس مدارس خبر داده بود، اعلام کرد تنها در حالتی تاکسی‌ها را به تپسی می‌دهد که ثبت‌نام از طریق سامانه «شهرزاد» انجام شود و سامانه بی نام و نشانی که بعد از سال تحصیلی جدید رونمایی شد، هنوز هم مشکلات آن شناسایی نشده است. منشی‌پور می‌گوید اجبار برای استفاده از اپ ناشناس غیرمنطقی بود و به همین دلیل هم این پیشنهاد عجیب را نپذیرفتیم، زیرا منجر به شکست می‌شد و ما که به پشتوانه و درخواست شهرداری به موضوع سرویس مدارس ورود کردیم، از کمکی که قرار بود به ما داده شود محروم شدیم و عملا شهرداری پشت ما را خالی کرد.

محروم‌شدن این شرکت از تاکسی‌های شهرداری هم والدین را گرفتار کرد و هم تپسی را. تعداد زیادی از والدین روزهای نخست مهر ماه بدون سرویس ماندند.

۲ متهم ساکت، توپ به زمین تپسی افتاد

شکایت والدین از سرویسی که برایش هزینه کرده بودند اما موفق به استفاده از آن نشده بودند تا حدی بالا گرفت که دادستانی به این ماجرا ورود کرد.

ماجرا سه متهم داشت. همان‌طور که دادستانی تهران سه مدیر را برای توضیح خواست. مدیران شهرداری و آموزش و پرورش و تپسی. اما نه مدیرحمل‌ونقل و ترافیک شهرداری در جلسه اول حاضر شد و نه رئیس آموزش و پرورش شهر تهران. در جلسه بعدی هم نمایندگان آنها حاضر بودند.

۲ هزار تاکسی گروگان استفاده از سامانه بی‌نشان شهرزاد

شهرداری که تلاش کرده بود از این فرصت برای معرفی سامانه بی نام و نشان خود استفاده کند و به عهد خود برای در اختیار گذاشتن دو هزار تاکسی عمل نکرده بود، در برابر انتقادها سکوت کرد و دیگر از استفاده تاکسی‌های اینترنتی و نقش خود سخنی نگفت اما روز سه‌شنبه ۱۸ مهر ماه سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود درباره رسیدگی به پرونده سرویس مدرسه تپسی اعلام کرد: دادستانی شهرداری تهران را مکلف کرده که هزار دستگاه تاکسی را برای سرویس مدرسه تپسی به این شرکت تخصیص دهد: «حدود هزار دستگاه تاکسی برای ارائه خدمات مناسب به دانش‌آموزان خواهان این سرویس، تعیین و مقرر شد از سوی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران این کار انجام و نتیجه بررسی نهایی به دادستانی تهران گزارش شود».

سخنگوی قوه قضائیه اظهار امیدواری کرده است که با تمهیدات این مرجع قضائی شاهد برون‌رفت از مشکل پیش‌آمده باشیم.

گفته می‌شود تپسی هزینه خانواده‌هایی را که از این سرویس انصراف داده‌اند، پرداخت کرده است.

تکلیف دستگاه قضا به شهرداری تهران

تأکید این مسئول قضائی برای در اختیار گذاشتن هزار تاکسی از سوی شهرداری به تپسی نشان می‌دهد نقش شهرداری در چالش‌های ایجادشده چه میزان است و اگر از همان ابتدا شهرداری به جای تأکید بر ثبت‌نام در سامانه شهرزاد به تعهدات خود عمل می‌کرد شاید از همان سوم مهر دانش‌آموزی سرگردان نمی‌شد.

دادستانی: معاون حمل‌ونقل با همکاری تپسی مشکلات را حل کند

نکته دیگری که دادستانی تهران بر آن تأکید کرده همکاری معاونت حمل‌ونقل با تپسی برای حل چالش به‌وجودآمده است، در خبر دادستانی آمده است که با توجه به اینکه ۹۰ درصد خانواده‌ها پس از انصراف از شرکت در طرح خدمت سرویس مدارس تپسی، وجوه واریزی خود را دریافت کرده‌اند، مقرر شد معاونت حمل‌ونقل شهرداری تهران و مدیرعامل شرکت تپسی، نواقص و اشکالات موجود را مرتفع و ظرف یک هفته نتایج را به دادستانی گزارش دهند.

اما با وجود تأکیدات دستگاه قضا به نقش شهرداری و مسئولیت‌هایی که برعهده آنها گذاشته است باز هم شهرداری سکوت کرده و ترجیح داده بازی در زمین تپسی ادامه پیدا کند. این در حالی است که به گفته مدیران شهری ایده استفاده از تاکسی‌های اینترنتی برای سرویس مدارس از سوی شهرداری تهران مطرح شده است و دعوت به همکاری نیز همین‌طور. اما در روزهای پایانی شهرداری پشت شرکت خدمات‌دهنده را خالی کرده و مسئولیتی در برابر والدین نپذیرفته است.

با وجودی که حدود ۲۰ روز از آغاز سال تحصیلی گذشته است همچنان تکلیف سرویس مدرسه دانش‌آموزانی که خواهان استفاده از این بستر آنلاین بودند، مشخص نیست و شهرداری فقط تلاش کرد تا اپ ناشناس خود را معرفی کند. اپلیکیشنی که هنوز هم ایرادات آن مشخص نشده است.

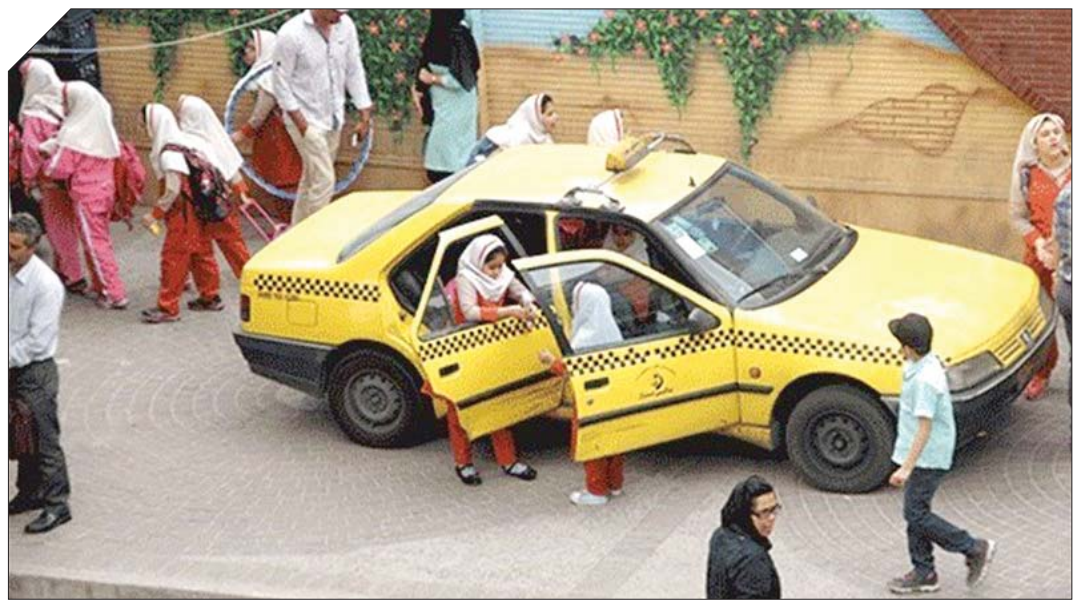

یادداشت

دستور «ازدواجی» رئیسی، وعده‌ای سه ماهه که عملی نشد!

محمد حیدری‌بیرامی، پژوهشگر اجتماعی: از سربازی و قیمت‌های سرسام‌آور مسکن تا هزینه وسایل خانه، در این چند سال اخیر باعث شده ازدواج برای جوانان دشوار شود. کارشناسان معتقدند این عوامل و شرایط نامساعد اقتصادی یکی از دلایل به تأخیر افتادن ازدواج جوانان است. البته علاوه بر این، عوامل نگرشی و فرهنگی مانند چشم‌وهم‌چشمی و تجملات نیز در کنار دلایل اقتصادی روی ازدواج جوانان تأثیر منفی می‌گذارد. در راستای حل این مشکلات، عموما مردم انتظار دارند موانع اقتصادی را دولت حل کند. به همین دلیل در این سال‌های سخت، انتظارات جوانان و خانواده‌ها از دولت برای حمایت از مسئله ازدواج، افزایش یافته است. در زمینه حمایت دولت از ازدواج نیز تنها سیاست اثرگذار و مهم آن، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج است. تنها وام و سرمایه‌ای که جوانان می‌توانند، روی آن حساب باز کنند و از بار هزینه‌های اولیه زندگی بکاهند. براساس گزارش شش‌ماهه بانک مرکزی، به بیش از ۴۱۰ هزار و ۱۵۰ نفر از متقاضیان تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج، حدود ۸۳ همت وام ازدواج پرداخت شده است؛ با وجود این، تا پایان شهریور سال جاری، ۲۶۰ هزار و ۵۴۰ نفر در صف دریافت این تسهیلات قرار دارند. این در حالی است که تیرماه ۱۴۰۲، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی، دستور حجت‌الاسلام رئیسی درباره پرداخت وام ازدواج به متقاضیان را صادر کرد که از آن جمله، صفرشدن صف وام ازدواج تا پایان تابستان سال جاری اعلام شد. همچنین، خاندوزی وزیر امور اقتصاد و دارایی ۱۵ مرداد امسال در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا با بیان اینکه مسئله صف که موجب نارضایتی مردم شده و ۳۰۰ هزار نفر در صف دریافت وام هستند، درباره موانع پیش‌روی متقاضیان وام ازدواج، اظهار کرد: مطابق وعده بانک مرکزی تا پایان شهریور صف دریافت وام ازدواج به صفر می‌رسد. با پرداخت کمتر از ۵۶ همت، صف وام ازدواج جمع شدنی است! بنابراین، آمارها و شواهد از تداوم مسئله صف وام ازدواج و عملی‌نشدن دستور رئیس‌جمهور، حکایت دارد. موضوعی که هرچند مدیران شبکه بانکی و مسئولان بانک مرکزی، عدم تحقق آن را به کمبود منابع و بودجه نسبت می‌دهند؛ ولی بررسی کارشناسی ردیف بودجه‌ای تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج ثابت می‌کند این گزاره نادقیق و موضوع کمبود منابع بودجه‌ای وام ازدواج، با واقعیت آماری تطابق ندارد. گفتنی است، براساس ماده ۶۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، به‌منظور حمایت از ازدواج جوانان، بانک مرکزی مکلف شد از محل پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی، تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج را پرداخت کند. بنابراین منابع پرداختی وام ازدواج طبق «مُر قانون» مشخص است و کارشناسان با توجه به وضعیت موجودی منابع حساب‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه، عدم پرداخت فوری این تسهیلات را تنها تعلل و بهانه‌تراشی شبکه بانکی کشور قلمداد می‌کنند. در همین زمینه، براساس آمار فروردین‌ماه بانک مرکزی منابع موجود در حساب‌های جاری بیش از هزار و ۵۴۳ همت و موجودی پس‌انداز قرض‌الحسنه حدود ۵۲۵ همت اعلام شده، یعنی در مجموع بیش از دوهزارو ۶۸ همت. از آنجا که کمتر از ۲۶۰ هزار نفر در صف دریافت تسهیلات ازدواج قرار دارند؛ برای پرداخت فوری این تسهیلات به زوجین جوان، با لحاظ‌کردن میانگین مبلغ ۲۱۵ میلیونی وام ازدواج در سال ۱۴۰۲، کمتر از ۵۶ همت نیاز است. رقمی کمتر از ۰۳/ درصد منابع موجود در سپرده‌های جاری و پس انداز قرض‌الحسنه. در نتیجه، با توجه به مسائل مطرح‌شده و سپری‌شدن قریب یک‌ماه از مهلت زمانی وعده دولت سیزدهم، از مسئولان مرتبط با این موضوع انتظار می‌رود تا بیش‌ازاین رؤیای جوانان نوخانمان بر باد نرود، به تکلیف امیدبخش جمع‌شدن صف وام ازدواج، اهتمام جدی بورزند و این وعده مهم دولت را اسیر بهانه معیوب و تکراری «کمبود منابع» نکنند!

خبر برگزیده

بازگشت به زندگی مشترک ۲۰ درصد زوجین متقاضی «طلاق»

ایسنا: معصومه توکلی، مدیرکل دفتر مشاوره و امور روان‌شناختی معاونت سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، از ثبت‌نام بیش از صد هزار زوج در شش‌ماهه اول سال جاری در سامانه «تصمیم» خبر داد و گفت: با ارائه خدمات مشاوره و روان‌شناسی در قالب سامانه تصمیم، در ۲۰.۳ درصد از این افراد سازش و بازگشت به زندگی مشترک گزارش شده است.

او با اشاره به ارائه خدمات مشاوره و روان‌شناسی به منظور کاهش طلاق در قالب سامانه «تصمیم» اظهار کرد: این مسئولیت از سال ۱۳۹۵ به سازمان بهزیستی داده شد تا در قالب ارائه خدمات مشاوره و روان‌شناختی به منظور کاهش تعارضات زوجین و بازگشت به زندگی مشترک، این خدمات در شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر ارائه شود.

وی درباره برنامه سازمان برای ارائه این خدمات در شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر نیز توضیح داد: سازمان بهزیستی آمادگی کامل برای توسعه خدمات به شرط فراهم‌آمدن منابع لازم را دارد. در حال حاضر نیز از ظرفیت‌های دیگر سازمان بهزیستی در این شهرستان‌ها برای ارائه خدمات استفاده می‌شود.

مدیرکل دفتر مشاوره و امور روان‌شناختی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به روند فعالیت سامانه تصمیم و نحوه ارجاع متقاضیان طلاق توافقی به این سامانه، این‌طور توضیح داد: زوجین برای دریافت مشاوره در ابتدا باید به سایت زمان مراجعه کرده و بعد از انتخاب زمان مشاوره، واحد ارزیابی روانی و اجتماعی برای آنها مشخص می‌شود. در نهایت یک جلسه غربالگری روانی و اجتماعی با حضور تیمی متشکل از روان‌شناس، مددکار، مشاوره حقوقی و مذهبی برگزار و ارزیابی لازم انجام می‌شود. پس از آن به مرکز مشاوره ارجاع داده می‌شوند. پس از ارزیابی روانی و اجتماعی، زوجین تصمیم می‌گیرند که ادامه فرایند تخصصی مشاوره را در کدام مرکز انجام دهند. لازم به ذکر است که زوجین حداقل از چهار جلسه مشاوره به مدت ۴۵ دقیقه بهره‌مند می‌شوند و در نهایت نتایج جلسات ثبت و به دفاتر پیشخوان ارسال می‌شود تا در اختیار قاضی پرونده قرار گیرد.

به گفته وی، در سال گذشته حدود ۸۲۰ هزار جلسه مشاوره برای ۱۸۵ هزار زوج متقاضی طلاق ارائه شد که در این بین، بالغ بر ۲۱.۷ درصد زوجین متقاضی طلاق به مرحله سازش رسیده و به زندگی زناشویی بازگشته‌اند.

توکلی همچنین اعلام کرد در شش‌ماهه اول سال جاری بیش از صد هزار زوج وارد سامانه تصمیم شدند و برای ارائه خدمات مشاوره و روان‌شناسی ثبت‌نام کردند که تاکنون بالغ بر ۳۳۰ هزار جلسه مشاوره و خدمات روان‌شناسی برای آنها برگزار شده و نرخ سازش ۲۰.۳ درصد گزارش شده است.

مدیرکل مشاوره و امور روان‌شناختی معاونت سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به اینکه جلسه اول خدمات مشاوره و روان‌شناسی در قالب سامانه تصمیم به صورت رایگان برای زوجین برگزار می‌شود، گفت: در سال گذشته ۱۸۵ هزار جلسه رایگان غربالگری زوجین ارائه شد و از سوی دیگر برای بالغ بر ۱۰ درصد مراجعان که فاقد بضاعت مالی جهت پرداخت هزینه‌های جلسات مشاوره طلاق بوده‌اند، چهار جلسه مشاوره به صورت رایگان ارائه شده است.

وی تصریح کرد: در سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۳۰ میلیارد تومان یارانه از سوی بهزیستی برای جلسات غربالگری و مشاوره زوجین نیازمند هزینه شده است.

توکلی در پاسخ به این سؤال که عمده مشکلات زوجین متقاضی طلاق مربوط به چه مشکلاتی است؟ گفت: مهارت‌های ناکافی زوجین در برقراری تعامل مناسب با همسر و عدم آگاهی از مهارت‌های حل تعارض، از عمده مشکلات زوجین محسوب می‌شود.